



سرشناسه : پورامینی، محمدباقر، ۱۳۴۷ -
عنوان و نام پدیدآور : گریه و سوگ / نویسنده محمدباقر پورامینی؛
گردآورنده معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی.
مشخصات نشر : مشهد: انتشارات قدس رضی، ۱۳۹۱.
فروست : رهنما؛ ۹۴.
شابک : 978-600-299-059-4
وضعیت فهرست نویسی : فیپا
یادداشت : کتابنامه .
موضوع : سوگواری‌های اسلامی
موضوع : سوگواری‌ها-- فلسفه
شناسه افروده : موسسه انتشاراتی قدس رضی
شناسه افروده : آستان قدس رضی . معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
رده بندی کنگره : BP ۱۳۹۱۲۶۰ گ۴ پ/۹
رده بندی دیویی : ۷۴/۳۹۷
شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۹۰۹۸۹



۹۴ → گریه و سوگ

نویسنده: محمد باقر پورامینی
آستان قدس رضی
چاپ اول: زمستان ۱۳۹۱
معاونت تبلیغات و ارتباطات اسلامی
نشانی: حرم مطهر امام رضا (ع)، اداره پاسخ‌گویی به سؤالات دینی
تلفن: ۰۵۱۱-۳۲۰۲۰ دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۴۰۶۰۲
rahnama@aqrazavi.org

به‌کوشش محمدحسین پورامینی
ویراستار: محمد مهدی باقری
طراح جلد: علی بیات
طراح لوگوی رهنما: مسعود نجابتی





﴿ رسیدن برای یافتن راه، خود، ارزش است...
و هر فرهنگی که به پرسشگری بها دهد
و زیباترین، دقیق‌ترین و ساده‌ترین پاسخ‌ها را پیشِ رو بگذارد،
گسترش و دوام خود را تضمین کرده است.
مهم، انتخاب بهترین راه است...
و **ره‌نما** گامی است در این مسیر.
همگام ما باشید و با طرح دیدگاه‌های رنگارنگتان، یاری‌مان کنید.





گریه و سوگ

پرسش‌هایی چند دربارهٔ گریه و سوگواری مطرح است و این نوشته تلاشی است برای پاسخ به آن‌ها:

۱. گریه و سوگواری به چه معناست؟ آیا ریشهٔ دینی دارد؟
۲. چرا برخی به مسئلهٔ گریه و عزاداری واکنش منفی نشان می‌دهند؟ ریشهٔ این خودداری در کجاست؟
۳. آیا در دین اسلام و سیرهٔ پیشوایان معصوم علیهم‌السلام گریه و سوگواری جایگاهی دارد؟
۴. تأکید اسلام بر سوگواری ویژه برای امام حسین علیه‌السلام به چه سبب است؟





اشاره

گریه ریشه در احساسات پاک و زلال انسانی دارد و وقتی با شخصیت‌های دینی و اولیای الهی، به خصوص سالار شهیدان امام حسین علیه السلام، پیوند بخورد و در عزای او جاری شود، به دلیل استناد به سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و معصومان گرامی علیهم السلام، امری مستحب تلقی می‌شود و زمینه رشد و قرب الهی را فراهم می‌آورد. درباره این پدیده مبارک، پرسش‌ها و حتی نقدهایی مطرح است که برای پاسخ به آن‌ها، نیاز به بررسی دقیق این موضوع است. این دفتر ضمن مفهوم‌شناسی گریه و سوگ، به مخالفان گریه و عزاداری پاسخ خواهد داد و از چرایی و حکمت گریه، به خصوص درباره سالار شهیدان علیه السلام، یاد خواهد کرد.



تصویری از تاریخ



در صدر اسلام، شهادت حمزه برای پیامبر ﷺ بسیار جانسوز و سخت بود؛ تاحدی که یارانشان گفته بودند که ما پیامبر اکرم ﷺ را به مانند روزی که بر حمزه می گریست، گریان ندیدیم.^۱ در آن وقت، نبرد پایان یافته بود و از خانه مهاجر و انصار صدای گریه به گوش می رسید. زنان، سوگوار کشتگان خویش بودند و در عزایشان می گریستند. هنگامی که رسول اکرم ﷺ به مدینه بازگشتند، صدای گریه زنان انصار را شنیدند و فرمودند: وَلَكِنْ حَمَزَةٌ لَا بَوَاكِي لَهُ الْيَوْمَ؛ (= اما حمزه امروز گریه کننده ای ندارد).^۲

پس از جنگ احد، حضور پیامبر ﷺ در خانه شهدای احد، تسلی غم مصیبت زدگان بود. جابر بن عبدالله می گوید: پس از ادای نماز صبح، حضور پیامبر ﷺ نشسته بودیم و درباره واقعه احد صحبت می کردیم و از شهدای خود یاد می کردیم. چون صحبت از سعد بن ربیع انصاری

۱. حلبی، سیره حلبیه، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲. دلائل النبوة، ج ۳، ص ۲۱۵؛ مجلسی، بحار الانوار، ج ۲۰، ص ۹۸.



شد، حضرت ﷺ فرمودند: «برخیزید.» ما که بیست مرد بودیم، همراه آن حضرت برخاستیم. پیامبر ﷺ وارد خانه سعد بن ربیع انصاری شدند و ما هم به دنبال ایشان وارد شدیم و دیدیم که همسرش فاصله میان دو دیوار را آبپاشیده و تمیز کرده و فقط حصیری گسترده است. همه نشستیم و رسول خدا ﷺ از سعد بن ربیع برای ما صحبت کردند. حضرت ﷺ بر او رحمت فرستادند و فرمودند: «در آن روز دیدم که نیزه‌ها بر بدن او فرو می‌شد تا اینکه کشته شد.» چون زن‌ها این مطلب را شنیدند، گریستند: فَدَمَعَتْ عَيْنَا رَسُولَ اللَّهِ ﷺ وَ مَا نَهَاھُنَّ عَنْ شَيْءٍ مِنَ الْبُكَاءِ؛ (= چشم‌های پیامبر ﷺ نیز اشک‌آلود شد و زن‌ها را از گریه کردن منع نفرمودند).^۱

نام و یاد حمزه و شهدای احد، رمز و نشان ماندگاری شد و گریه در جوار سیدالشهدای صدر اسلام، تسلائی برای غم هر ستم‌دیده و مصیبت‌زده‌ای تلقی می‌شد. فاطمه زهرا علیها السلام در

۱. واقدی، المغازی، ج ۱، ص ۳۲۹.



زمان پدر و بعد از آن، مکرر و پی‌درپی، به زیارت قبر حمزه علیه السلام و شهدای احد می‌رفتند و گریه می‌کردند.^۱

این تصویر، دریچه‌ای است تا از مشروعیّت و حکمت گریه و عزا نکاتی تقدیم شما خواننده این دفتر کنیم.

۱. عبدالرزاق، السنن الکبری، ج ۳، ص ۵۷۲؛ ج ۴، ص ۱۳۱.

نعمت گریه



گریه از نعمت‌های الهی به آدمی است تا با آن بتوان ارتباط تعریف‌شده‌ای با خدا و خود و دیگران برقرار کرد. هرگاه گریه با مصیبت و عزایی پیوند بخورد، راهی برای تکریم و احترام فرد در گذشته است و آرامش داغ‌دیده را به‌دنبال خواهد داشت.

گریه، مانند خنده، مظهر شدیدترین حالات احساسی انسان است و از تعادل روحی انسان گواهی می‌دهد و به‌نوبه خود انواع و اقسام دارد. گریه همیشه ملازم با نوعی رقت و هیجان است. در حال گریه و رقت، انسان بیش از هر حالت دیگر، خود را به محبوبی نزدیک می‌بیند که برای او می‌گرید. حالت احساسی خنده جنبه فردی و درخودفرورفتن دارد؛ اما گریه برخلاف خنده، بیشتر جنبه بیرون‌آمدن از خود و فراموش کردن خود و یکی‌شدن با محبوب را تداعی می‌کند.^۱ از دیدگاه عرفا نیز گریه زیباترین جلوه تذلّل است.^۲

۱. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۷۴.

۲. محمدتقی جعفری، تفسیر و نقد مثنوی، ص ۲۶۳.



«عزا» به معنای سوگ و مصیبت است؛ همچنین صبر کردن و شکیبایی انسان بر هر چیز از دست رفته را عزا می‌گویند؛^۱ از این رو، مراسمی را که برای تجلیل از درگذشته و آرامش بخشیدن به فرد یا افراد داغ‌دیده برگزار می‌شود و با گریه و ناله همراه است، مجلس عزا و سوگواری می‌نامند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای تکریم دلیرانی که در صف دفاع از دین به شهادت رسیدند و به منظور تعزیت خاندان ایشان، بر گریه و سوگواری تأکید داشتند؛ برای مثال، پس از نبرد موته و شهادت جعفر بن ابی طالب و یارانش، رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد خانه جعفر شدند و فرزندان او را طلب کردند؛ آنگاه آن‌ها را بوسیدند و گریه کردند. اسما، همسر جعفر، عرض کرد: «پدر و مادرم به فدایت، چه چیزی شما را گریان کرد؟ آیا خبری از جعفر به شما رسیده است؟»

۱. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۱۹۵ و ۱۹۶.



حضرت ﷺ فرمودند: «آری، امروز آنان به شهادت رسیدند.» اسما می گوید: «...من با جماعتی از زنان صیحه و شیون کردیم.» آنگاه حضرت فاطمه علیها السلام گریه کنان وارد شدند و صدا کردند: واعمّاه. رسول خدا ﷺ فرمودند: «باید گریه کنندگان بر امثال جعفر بگریند.»^۱

۱. ابن اثیر، الکامل، ج ۲، ص ۹۰.

سبب منع از گریه



گریه نکردن برخی از مسلمانان در مرگ عزیزانشان و مخالفت آنان با برپایی مجالس عزا و سوگواری، مستند به چند روایت از خلیفه دوم است؛ زیرا او از گریه بر اموات به شدت منع می کرد و گاهی، ادعای خود را بر سنت رسول الله ﷺ متکی می کرد. تمام مورخان و محدثان اذعان دارند که خلیفه دوم مردم را از گریه بر میت منع می کرد. بخاری چنین مدعی است: **كَانَ عُمَرُ يَضْرِبُ فِيهِ بِالْعَصَا وَيَرْمِي بِالْحِجَارَةِ وَيَحْثِي التُّرَابَ؛ (= عمر بن خطاب، با زدن عصا و پرتاب سنگ و پاشیدن خاک، جلوی گریه کننده بر اموات را می گرفت).**^۱

وقتی یکی از دختران رسول خدا ﷺ از دنیا رفت، پیامبر ﷺ دستور دادند تا او را در بقیع به خاک بسپارند. زنان می گریستند؛ آنگاه عمر با تازیانه آنان را زد. پیامبر خدا ﷺ دست او را گرفتند و فرمودند: «عمر صبر کن. بگذار آن ها گریه کنند و بر زنان است که از فریادزدن

۱. صحیح البخاری، کتاب الجنائز، باب البكاء عند المریض، ص ۲۰۹، حدیث ۱۳۰۴.



شیطانی حذر کنند.» سپس رسول خدا ﷺ کنار قبر نشستند و فاطمه علیها السلام نیز کنارشان نشستند و گریه می کردند. پیغمبر ﷺ با دستان مبارک، اشک چشمان دخترشان را پاک کردند.^۱

علامه امینی رحمه الله با نقل این ماجرا، شتاب و خشونت عمر را در زدن زنان سوگوار نقد می کند؛ با این نگاه که اگر گریه زنان زشت بود، رسول خدا ﷺ به عنوان صاحب شریعت، خود دستور ممانعت می دادند و عمر حق دخالت نداشت.^۲ ابوهیره از ماجرای دیگر چنین گزارش می دهد که عمر نگاهش به زنی افتاد که بر قبری گریه می کرد؛ پس او را به سختی منع کرد. آنگاه رسول خدا ﷺ فرمودند: «اباحفص، او را واگذار که دیده گریان و دل مجروح و خاطره نزدیک است.»^۳

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۲۳۷؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۹۱.

۲. ترجمه الغدير، ج ۱۱، ص ۳۱۸.

۳. متقی هندی، کنز العمال، ج ۸، ص ۱۱۷.



در متون تاریخی، نمونه‌های متعددی گزارش شده است که عمر در دوره خلافتش، با شلاق‌زدن بر سر و بدن زنان گریان و عزادار، از سوگواری آنان ممانعت می‌کرده است؛ به گونه‌ای که گزارش کرده‌اند که یک بار، عمر با شلاق بر زنان سوگوار زد. وقتی روسری یکی از زنان افتاد، به خلیفه یادآور شدند؛ اما او در پاسخ گفت: رها کنید: لا حرمة لها؛ (= برایش احترامی نیست).^۱ مسلم در صحیح خود مدعی است که عمر از گریه بر مرده نهی می‌کرد و می‌گفت رسول الله ﷺ فرموده‌اند: الْمَيِّتُ يُعَذَّبُ فِي قَبْرِهِ بِمَا نَحِيَ عَلَيْهِ؛ (= میت در قبر، به واسطه نوحه‌سرایی افراد زنده عذاب می‌شود).^۲ فرزند عمر نیز این روایت را از پدر ترویج می‌کرد. عایشه فهم عمر و فرزندش، عبدالله، را از این روایت اشتباه می‌دانست^۳ و می‌گفت: «به خدا

۱. کنز العمال، ج ۸، ص ۱۱۸.

۲. صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب الميت يعذب ببكاء اهله عليه، ص ۳۵۹، حدیث ۹۲۷ و ۹۲۸.

۳. پیشین، ص ۳۹۸، حدیث ۹۳۱ و ۹۳۲.



قسم، عمر اشتباه کرده که گفته است رسول الله ﷺ فرموده‌اند خدا مرده را به سبب گریه کسی عذاب می‌کند؛ بلکه پیامبر ﷺ فرموده‌اند خدا عذاب مرده کافر را به سبب گریه اهلش زیاد می‌کند^۱ و قرآن شما را کفایت می‌کند: ﴿وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى﴾؛ (= هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد.)^۲ عایشه درباره سخن فرزند عمر نیز واکنش نشان داده و گفته بود: «سخنی را شنیده، ولی آن را به درستی درنیافته است. جنازه یک یهودی را از کنار پیامبر خدا ﷺ عبور دادند، در حالی که بر او می‌گریستند. پیامبر ﷺ فرمودند: شما بر او گریه می‌کنید، در حالی که او [به سبب گناهانش] عذاب می‌شود.»^۴

۱. پیشین، ص ۳۹۷، حدیث ۹۲۹ و ۹۳۰.

۲. فاطر، ۱۸.

۳. صحیح مسلم، کتاب الجنائز، باب المیت یعذب ببكاء اهله علیه، ص ۳۹۷، حدیث ۹۲۹ و ۹۳۰.

۴. صحیح بخاری، کتاب المغازی، ص ۶۷۱، حدیث ۳۹۷۸.



بنابراین، روایات نیز به روش و عملکرد ناصواب عمر در مخالفت با عزاداری اشاره دارد که این ناشی از فهم نادرست از سنت پیامبر ﷺ و روایات نقل شده از ایشان است؛ هرچند که روایات نقل شده از او نیز از اعتبار ساقط است.

دلیل جواز گریه



گریه بر عزیز از دست رفته امری فطری است که سیره و سخن معصومان علیهم السلام بر جواز آن گواهی می‌دهد و حتی در سوگ بزرگان دین نیز مستحب شمرده می‌شود. نمونه‌های زیر نشان از مشروع بودن گریه دارد:

۱. رسول الله صلی الله علیه و آله روزی به زیارت قبر مادرشان رفتند و گریستند و همراهانشان نیز گریستند.^۱
۲. پیامبر صلی الله علیه و آله عثمان بن مظعون را در حالی که از دنیا رفته بود، بوسیدند و سپس گریه کردند.^۲
۳. حضرت زهرا علیها السلام پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله پیوسته می‌گریستند و می‌فرمودند: «ای پدر، تو به پروردگارت نزدیک شدی و دعوتش را اجابت کردی؛ اکنون بهشت برین جایگاه توست.»^۳

۱. شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، ص ۱۹۱.

۲. مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۶۱.

۳. مسند أبی داود، ج ۲، ص ۱۹۷.



۴. امیرالمؤمنین علیه السلام بعد از وفات فاطمه زهرا علیها السلام هر روز به زیارت قبر ایشان می آمدند.

روزی خود را به روی قبر فاطمه علیها السلام انداختند و گریه کنان اشعاری سرودند.^۱

۵. امیرمؤمنان علیه السلام پس از اطلاع از شهادت عمار بن یاسر گریستند و بر او رحمت فرستادند.^۲

۶. وقتی خبر شهادت مالک اشتر به کوفه رسید، امیرمؤمنان علیه السلام بسیار اندوهناک شدند،

با صدای بلند گریستند و تا چند روز آثار غم بر چهره شان نمایان بود. در سوگ مالک

می گفتند: «به خدا سوگند ای مالک، مرگ تو بسیاری را لرزانید و بسیاری را خوش دل کرد.

گریندگان باید بر چونان تویی بگریند. أَيْنَ مِثْلُ مَالِكٍ؟ (= آیا مردی چونان مالک هرگز توان

یافت؟)»^۳

۱. ابن صباغ، الفصول المهمة، ص ۱۳۰.

۲. الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۱۱۰.

۳. ثقفی کوفی، الغارات، ترجمه عبدالمحمد آیتی، ج ۱، ص ۲۶۵.



۷. امام حسن علیه السلام در صبح آن شبی که امیرالمؤمنین علیه السلام به شهادت رسیدند، وارد مسجد کوفه شدند و بعد از حمد و ثنای الهی، شروع به معرفی امیرالمؤمنین علیه السلام کردند که ناگهان، بغض گلویشان را گرفت و گریه کردند؛ تمام مردم نیز با آن حضرت در غم فراق مولای علیه السلام گریستند...^۱

۸. از امام سجاد علیه السلام از سبب گریه بسیار ایشان بر امام حسین علیه السلام پرسیدند. حضرت علیه السلام فرمودند: «مرا ملامت نکنید؛ زیرا یکی از فرزندان یعقوب غایب شد و یعقوب آن قدر گریست که چشمانش سفید شد، درحالی که نمی دانست که او مرده است یا نه؛ ولی من در یک روز مشاهده کردم که چهارده [او به روایتی هجده]^۲ نفر از اهل بیت علیهم السلام را به شهادت رساندند و سر

۱. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۴، ص ۱۱.

۲. در منابع شیعی، هجده شهید ثبت شده است. بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۶۲.



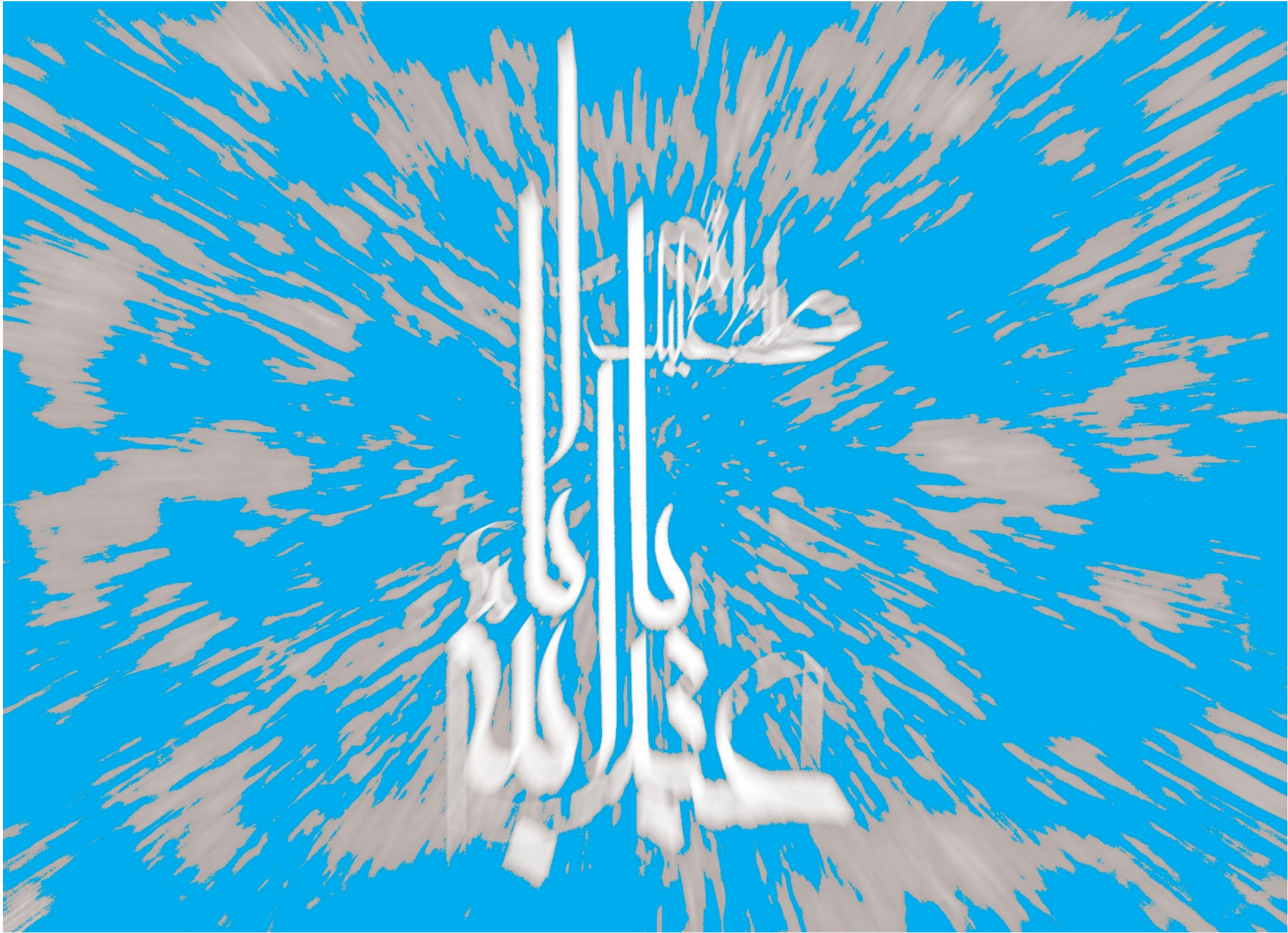
بریدند. آیا شما می‌خواهید که حزن و اندوه این مصیبت از دل من بیرون رود؟^۱

۹. بعد از شهادت امام حسین علیه السلام، ابن عباس دائماً گریه می‌کرد تا اینکه چشمانش کور شد.^۲ ام‌سلمه نیز وقتی خبر شهادت امام حسین علیه السلام را شنید، با تعجب گفت: «آیا مرتکب چنین عملی شدند؟ خداوند قبرهایشان را از آتش پر کند.» آنگاه به‌حدی گریست که بی‌هوش شد.^۳

۱. ابن عساکر، تاریخ مدینة دمشق، ج ۴۱، ص ۳۸۶.

۲. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۱۵۲.

۳. ابن حجر الهیثمی، الصواعق المحرقة، ص ۱۹۶.



حکمت گریه



اندوه انسان و گریستن او هنگام مرگ عزیزانش، از نشانه‌های عطوفت و علاقه و مهربانی انسان است که آرامش را به دنبال دارد؛ همچنین باعث جلای قلب می‌شود. بدیهی است سرکوب و نفی آن، گواه نابخردی است؛ زیرا گریه نوعی تخلیه هیجانی است و این نکته بسیار مهم و ارزشمند است. از این رو، بزرگان گریه و اشکریختن در فراق عزیزان را رحمتی الهی دانسته‌اند. پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله خاطرنشان کرده‌اند: «اندوه و گریه وقتی از دل و چشم سرچشمه بگیرد، از ناحیه خدا و ناشی از ترحم است.»^۱ وقتی ابن صامت از سبب گریه پیامبر صلی الله علیه و آله برای دختر در گذشته‌شان پرسید، حضرت این گونه پاسخ دادند: «گریه رحمتی است که خداوند در نهاد فرزندان آدم قرار داده است و خداوند فقط بر بندگان مهربان و باعاطفه خود رحم خواهد کرد.»^۲

۱. مسند احمد، ج ۱، ص ۳۳۳.

۲. سنن ابی داوود، ج ۲، ص ۵۸.



گریه بر هر درد بی‌درمان دواست چشم گریان چشمه فیض خداست

رسول خدا ﷺ به اباذر این گونه توصیه کرده‌اند: «کسی که توان گریه دارد، باید گریه کند و کسی که توان گریه ندارد، قلبش را محزون دارد و خود را به حالت گریه‌کننده‌ها درآورد. به‌درستی که دل سخت از خدا دور است؛ ولی شما متوجه نیستید.»^۱ آنگاه که ابراهیم، پسر پیامبر ﷺ جان می‌داد، حضرت ﷺ آمدند و او را در دامن مادرش دیدند. او را گرفتند و در دامن خویش نهادند و فرمودند: «ای ابراهیم، ما در مقابل خواست خدا نمی‌توانیم برایت کاری کنیم.» سپس، چشمانشان اشک‌آلود شد و فرمودند: «ای ابراهیم، ما برای تو اندوهناکیم. چشم می‌گرید و دل غمگین می‌شود؛ ولی چیزی نمی‌گوییم که مبادا خدا به‌خشم آید. اگر نبود که این امری حق و وعده‌ای راست و راهی است که برای همه خواهد

۱. مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۷، حدیث ۷۹.



آمد، بر تو بیش از این بسیار اندوهگین می‌شدیم؛ بیش از این.» عبدالرحمان بن عوف به آن حضرت علیه السلام گفت: «مگر ما را از گریه نهی نکرده بودید؟» حضرت علیه السلام فرمودند: «نه، از دو صدای احمقانه و دو چیز دیگر نهی کرده بودم: یکی صدای هنگام مصیبت و خراشیدن صورت و گریبان چاک‌زدن و ناله شیطان؛ دیگری هم صدای نغمه، نغمه لُهو و بیهوده. این گریه ترحم است و هر کس رحم نکند، مورد ترحم قرار نمی‌گیرد.»^۱

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می‌فرمودند: «زنان در مصیبت‌ها، نیاز به نوحه‌سرایی و شیون و زاری دارند و باید اشک‌هایشان جاری شود؛ اما نباید سخنان باطل و بیهوده بگویند.»^۲ حکمت گریه در سوگ حسین بن علی علیه السلام بیشتر تجلی دارد که درنگ در آن شایسته است.

۱. سیره حلبیه، ج ۳، ص ۳۴۸.

۲. حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۹۰.

در سوگ امام حسین علیه السلام





در روز نخست محرم، ریان بن شیبب حضور امام رضا علیه السلام رسیده بود. امام از این ماه و غم محرم و عزای امام حسین علیه السلام گفتند و آنگاه فرمودند: يَا بْنَ شَيْبٍ اَنْ كُنْتَ بَاكِياً لِمَشْيِ فَاَبُكَ لِلْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ ابْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام فَإِنَّهُ ذُبِحَ كَمَا يَذْبَحُ الْكَبْشُ؛ (= ای پسر شیبب، اگر گریه می کنی، برای حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام گریه کن که او را مانند گوسفندی ذبح کردند و او را با هجده نفر از اهل بیتش شهید کردند که هیچ یک از آنها در روی زمین شبیه و مانندی نداشتند).^۱ گریه بر مصائب خاندان رسول الله صلی الله علیه و آله پسندیده و مستحب است و گریه بر امام حسین علیه السلام از نیکوترین راههای نزدیکی به خداست. امام رضا علیه السلام در جای دیگر فرموده اند: «کسی که یادآور مصیبت ما شود و برای آن ستم‌هایی که در حق ما شده، گریه کند، درجه وی فردای قیامت نظیر درجه ما خواهد بود. کسی که ذکر مصیبت ما را کند و گریان شود و دیگران را هم

۱. صدوق، عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۶۰۴.



گریان کند، چشم وی در آن روزی که همه چشم‌ها گریان‌اند، گریان نخواهد بود.^۱

هرگاه پیامبر ﷺ و امیرمؤمنان علیاً و فاطمه زهرا علیها از شهادت امام حسین علیاً یاد می‌کردند، اشکشان جاری می‌شد و حتی امام مجتبی علیاً به حسین بن علی علیاً می‌فرمودند: لا یومَ کیومک یا ابا عبد الله؛ (= هیچ مصیبتی به اندازه مصیبت تو سنگین نیست).^۲

نقل کرده‌اند که روزی امیرالمؤمنین علیاً به امام حسین علیاً نظری کردند و فرمودند: «ای اشک هر مؤمن». امام حسین علیاً عرضه داشتند: «ای پدر، من اشک هر مؤمنی هستم؟»

امیرالمؤمنین علیاً فرمودند: «آری، پسر من». ^۳ ابن خارجه نیز نقل می‌کند که نزد امام جعفر صادق علیاً بودیم و نامی از امام حسین علیاً برده شد. امام صادق علیاً گریان شدند و ما هم

۱. بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۲۷۸.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب، ج ۴، ص ۸۶.

۳. کامل الزیارات، ص ۱۰۸.



گریستیم. سپس آن بزرگوار علیه السلام فرمودند که امام حسین علیه السلام فرموده است: اَنَا قَتِيلُ الْعَبْرَاتِ؛ (= من کشته اشک‌ها هستم؛ هیچ مؤمنی یادآور من نمی‌شود، مگر اینکه گریان خواهد شد).^۱ گویا امام با بیان این سخن، چنین پیام می‌دهند که من کشته رحمت هستم؛ یعنی به شهادت رسیدم تا جامعه اسلامی با اشک‌ریختن بر من، لبریز از رحمت شده و دل‌ها نرم شود و با یکدیگر الفت گیرد.^۲ گریه بر حسین علیه السلام به‌واقع تأسی به انبیاء علیهم السلام و ملائکه و عباد صالح خداست و به‌وسیله آن، به‌نوعی، حق پیامبر صلی الله علیه و آله و خدا و ائمه هدا علیهم السلام ادا می‌شود.^۳

گریه برای سالار شهیدان علیه السلام و اهل بیت ایشان علیهم السلام از مظاهر محبت به این خاندان و مصداقی از تعظیم شعائر الهی است. سوگواری و گریه بر ایشان درواقع پیام‌هایی دارد. این

۱. ابن قولویه، کامل‌الزیارات، ص ۱۰۸.

۲. نک: استاد علی سعادت‌پرور، فروغ شهادت، ص ۳۰۰.

۳. بحار الأنوار، ج ۴۵، ص ۲۰۵؛ کامل‌الزیارات، ص ۷۹.



پیام‌ها عبارت‌اند از: قرار گرفتن در صف دفاع از مظلوم کربلا علیه السلام، تکریم فرهنگ شهادت، ادامه‌دادن و زنده‌نگه‌داشتن راه او، همانندسازی و الگوگیری از او و به‌واقع، مرهمی بر قلب سوخته عاشقان حسینی است.

حال ممکن است این پرسش مطرح شود که شهادت، رستگاری و سعادت است؛ بنابراین، چرا در برابر این پدیده و فیض الهی، به‌خصوص شهادت سالار شهیدان علیه السلام، باید به‌جای شادمانی گریست؟ در پاسخ به این پرسش، باید بگوییم که شهادت را در دو منظر به‌نظاره می‌نشینند و هر منظری رویکردی خواهد داشت: شهادت از جنبه فردی و برای شخص شهید، ارتقا و رستگاری بزرگ و پیروزی عظیم است. شهادت امام حسین علیه السلام برای آن امام همام، عالی‌ترین حد کمال است؛ آن‌گونه که امام علیه السلام می‌فرمودند: «جدم به من فرموده است که تو درجه‌ای نزد



خدا داری که جز با شهادت، به آن درجه نخواهی رسید.^۱ همین شهادت از نظر اجتماعی و بازخورد آن در جامعه، به گونه‌ای دیگر تحلیل می‌شود. گریه بر شهید، یعنی شرکت در حماسه او، هماهنگی با روح او، موافقت با نشاط او، حرکت در مسیر او و مخالفت با جبهه مخالف او،^۲ آن گونه که ضمن تقویت صف دین‌داران، توان مقابله با ستمگران را می‌افزاید و همین روحیه زمینه‌ساز حفظ مکتب حسینی است. در این باره، امام خمینی رحمه الله می‌فرمودند: «هر مکتبی تا پایش سینه‌زن نباشد، تا پایش گریه‌کن نباشد، حفظ نمی‌شود.»^۳

امام حسین علیه السلام با شخصیت عالی‌قدرش و به سبب شهادت قهرمانانه‌اش، مالک قلب‌ها و احساسات صدها میلیون انسان است. دوستداران او در حال گریه و عزا، بیش از هر حالت

۱. حرانی، تحف العقول، ص ۳۹.

۲. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۲۴، ص ۴۷۴.

۳. امام خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۷۰.



دیگر، خود را به محبوبی که برای او می‌گیرند، نزدیک می‌بینند و درحقیقت، «اشک، زبانِ دل و شاهد عشق است.»^۱

راز ماندگاری مکتب و حماسه امام حسین علیه السلام این است که نهضت او ضمن داشتن منطق عقلانی، در عمق احساسات پاک و عواطف زلال مردم راه یافته است و به لطف توصیه ائمه اطهار علیهم السلام، گریه بر امام حسین علیه السلام زمینه نفوذ این نهضت در عمق جان مردم شده است.

برای مطالعه بیشتر

۱. شهید ثانی، آرام‌بخش دل داغ‌دیدگان (ترجمه مسکن‌النفوس)، ترجمه جناتی شاهرودی.
۲. شرف‌الدین، سید عبدالحسین، اجتهاد در مقابل نص، ترجمه علی دوانی.
۳. علامه امینی، ترجمه الغدير، ج ۱۱.
۴. طبسی، نجم‌الدین، چرایی گریه و سوگواری.
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۲۴، موضوع شهید.

۱. جواد محدثی، فرهنگ عاشورا، قم: معروف، ۱۳۷۴، ص ۳۸۲.

This document was created with Win2PDF available at <http://www.daneprairie.com>.
The unregistered version of Win2PDF is for evaluation or non-commercial use only.